## جلسه 93-445

**دو‌شنبه - 11/01/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که آیا رعایت فاصله میان زن و مرد در نماز در صورتی که مساوی با هم نماز بخوانند یا زن جلوتر نماز بخواند لازم است یا لازم نیست؟ که ما اختیار کردیم به اندازه یک وجب فاصله لازم است، مشهور قدماء رعایت فاصله بیشتر از ده ذراع چهار متر و نیم را لازم دانستند، مشهور متاخرین هم حکم به رجحان رعایت فاصله کردند.

## مسأله 27: جریان حکم در نافله

صاحب عروه در مسأله 27 فرموده است: الظاهر عدم الفرق ایضا بین النافلة و الفریضة. در این حکم فرقی بین نماز نافله و نماز فریضه نیست.

انصافا مطلب درستی است. هم می‌‌توان استدلال کرد به اطلاقات که نهی کرد از نماز زن و مرد در کنار هم و اختصاصی به نماز فریضه نداشت و هم می‌‌توان استدلال کرد به یک روایتی در مقام که شیخ طوسی نقل می‌‌کند به اسناد صحیحش از علی بن مهزیار از حماد بن عیسی از حریز از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام که ایشان فرمود: المرأة تصلی خلف زوجها الفریضة و التطوع و تأتمّ به فی الصلاة. زن چه در نماز فریضه چه در نماز نافله باید مکانش پشت سر شوهرش باشد.

مرحوم آقای خوئی علاوه بر این استدلال به اطلاقات، استدلال کردند به این‌که ما یک اصلی داریم که اصل این است که کیفیت نافله مثل کیفیت فریضه است. وقتی شارع امر می‌‌کند به صلات فریضه و بعد از آن امر می‌‌کند به صلات نافله به عنوان امر استحبابی، ظاهر این است تمام اجزاء و شرائط آن نماز فریضه که بیان شده است، در نافله هم باید رعایت بشود. و این را در بحث صوم هم ایشان مطرح فرموده. فرموده: شارع امر کرده به صوم فریضه در ماه رمضان و برای آن شرائطی بیان کرده، بعد امر مستحب کرده است به صوم مستحب، این ظاهرش این است که صوم به همان نحوی که صوم واجب بود مستحب است. از این مطلب ایشان تعبیر می‌‌کنند به اصالة الاتحاد بین نافله و فریضه در احکام مگر در جایی نص بر خلاف داشته باشیم.

ما این مطلب برای‌مان واضح نیست. این‌که ما یک اصلی داشته باشیم که ظاهر امر به صلات نافله یا امر به صوم مستحب این است که همان صلات فریضه بما لها من الشرائط در صلات نافله هم لحاظ شده است یا در صوم مستحب وقتی امر استحبابی می‌‌شویم به یک صوم مستحب بگوییم ظاهرش این است که این صوم شبیه همان صوم واجب است بما له من الشرائط، این مطلبی است که برای ما روشن نیست. بله، کیفیت داخلیه صلات فریضه با صلات نافله بعید نیست که عرفا استظهار بشود که یکی است مگر قرینه بر خلاف باشد یا کیفیت داخلیه صوم فریضه با صوم مستحب، اما شرائط خارجیه یکی باشد این برای ما واضح نیست. و لذا در بقاء بر جنابت عمدا، ما در صوم فریضه می‌‌گوییم مبطل صوم است اما در صوم مستحب دلیلی بر مبطل بودن آن نداریم.

## مسأله 28: اختصاص حکم به حال اختیار

اما مسأله 28: صاحب عروه فرموده است: الحکم المذکور مختص بحال الاختیار ففی الضیق و الاضطرار لامانع و لاکراهة نعم اذا کان الوقت واسعا یؤخر احدهما صلاته و الاولی تاخیر المرأة صلاتها. در این مسأله صاحب عروه فرموده است حکم به حرمت محاذات زن و مرد در نماز بدون رعایت فاصله و یا کراهت آن، مختص به حال اختیار است، اما در حال اضطرار این حکم ثابت نیست نه محاذات زن و مرد در نماز در حال اضطرار مکروه است و نه حرام.

مرحوم آقای خوئی در توجیه این مطلب فرموده‌اند: اما ارتفاع کراهت بخاطر این است که خطاب نهی کراهتی از این‌که مثلا زن و مرد در فاصله کمتر از ده ذراع کنار هم نماز بخوانند، این بازگشتش به این است که در این نماز یک منقصتی هست که موجب قلت ثواب او می‌‌شود و این خطاب نهی ارشاد می‌‌کند بروید فرد آخری را انتخاب کنید که افضل است، وقتی که مکلف قادر نیست بر اختیار فرد دیگر، تنها راه منحصر است به این‌که نماز بخواند به همین کیفیت، ‌دیگر معنا ندارد که خطاب نهی کراهتی شامل آن بشود. خطاب نهی کراهتی می‌‌خواست بگوید این فرد را اختیار نکنید بروید فرد افضل را اختیار کنید، جایی که امکان فرد افضل نیست این خطاب جاری نمی‌شود. مثل خطاب نهی کراهتی از صلات در حمام، این شامل کسی نمی‌شود که محبوس در حمام است و یا باید نماز را ترک کند یا نماز در حمام بخواند. این‌جا که دیگه نمی‌شود بگوییم لاتصل فی الحمام شامل این شخص می‌‌شود. این راجع به ارتفاع کراهت.

اما راجع به ارتفاع حرمت و مانعیت مثل این‌که نمی‌توانند با رعایت فاصله یک وجب این زن و مرد نماز بخوانند، ‌نماز اگر بخواهند بخوانند در یک مکانی هستند که باید بدون فاصله یک وجب نماز بخوانند، ‌وقت هم تنگ است نمی‌شود یکی اول نماز را بخواند دیگری نماز را شروع بکند، ‌در این‌جا ما با توجه به این‌که دلیل داریم که الصلاة‌ لاتسقط بحال می‌‌گوییم این شرط اختیاری است؛ در فرض اضطرار این شرط ساقط است و اکتفاء می‌‌کنیم به این نماز فاقد شرط اختیاری. و الا اگر دلیل نداشتیم که الصلاة‌ لاتسقط بحال مقتضای قاعده این بود که نماز در حق این‌ها ساقط باشد یعنی این زن و مرد هرکدام که زرنگی کرد شروع نماز بخواند، ‌دیگری تکلیفش ساقط است چون نمی‌تواند نماز واجد شرط بخواند. ‌ولی چون دلیل می‌‌گوید الصلاة‌ لاتسقط بحال می‌‌گوییم نخیر آن شخص دیگر هم باید نماز بخواند و لو نمی‌تواند فاصله یک وجب را که لازم است در این حال رعایت کند.

بعد مرحوم آقای خوئی فرمودند مراد از این اضطرار و ضیق وقت این است که حتی متمکن از ادراک یک رکعت داخل وقت هم نباشند و الا اگر این زن می‌‌گوید من صبر می‌‌کنم نماز این مرد تمام می‌‌شود بعد از این‌که نماز او تمام شد، یک رکعت از نماز را داخل وقت درک می‌‌کنم، این‌جا مرحوم آقای خوئی فرمودند باید این صبر کند چون اگر بخواهد زودتر نماز بخواند شرط فاصله به مقدار یک وجب مختل می‌‌شود و این تاخیرش نسبت به نماز در وقت اختیاری ناشی از عذر است. تاخیر اختیاری بدون عذر که نیست تا معذور نباشد. و لذا تاخیر می‌‌اندازد نمازش را تا بعد از نماز این مرد، چون نمی‌تواند در زمانی که او نماز بخواند رعایت فاصله بکند، بعد از نماز مرد نماز را شروع می‌‌کند، یک رکعت را داخل وقت درک می‌‌کند، بقیه را خارج وقت.

این محصل فرمایش مرحوم آقای خوئی هست.

مرحوم استاد قدس سره فرمودند: راجع به نهی کراهتی مثل این‌که یک وجب را این زن و مرد می‌‌توانند رعایت فاصله بکنند اما آن مقدار از رعایت فاصله که مستحب است بیشتر از ده ذراع را نمی‌توانند رعایت کنند، وجهی ندارد بگوییم نهی کراهتی ساقط است. ‌چرا ساقط باشد؟ اگر اضطرار به غیر اختیار است، ‌بله، نهی کراهتی شامل‌شان نمی‌شود اما اگر از قبل از وقت عالما عامدا آمدند در یک مکانی که در این مکان دیگر نمی‌توانند با فاصله بیشتر از ده ذراع نماز بخوانند و عملا خودشان را دچار اضطرار کردند یا بعد از دخول وقت آمدند در یک مکانی که دیگر نمی‌توانند رعایت فاصله به مقدار بیشتر از ده ذراع بکنند وقت هم تنگ است نمی‌شود یکی اول نماز بخواند بعد دیگری، چرا نهی کراهتی شامل این‌ها نشود؟ اثرش این است که اختیار نکنند این حالت را، ‌خودشان را مضطر نکنند یا در سعه وقت نماز را شروع کنند که بتوانند در دو زمان نماز بخوانند یا اصلا در این مکان وارد نشوند.

انصافا این فرمایش، فرمایش متینی است.

راجع به آن بخش دوم فرمایش مرحوم آقای خوئی که فرمودند اگر نبود الصلاة‌ لاتسقط بحال ما می‌‌گفتیم دلیل مانعیت اطلاق دارد می‌‌گوید لایصل الرجل و بحذاءه امرأة تصلی، ارشاد به مانعیت نماز زن و مرد بدون رعایت فاصله می‌‌کند و این اطلاق دارد شامل فرض عجز مستوعب هم می‌‌شود. ولی چون الصلا‌ة لاتسقط بحال داریم، از این خطاب کشف کردیم که تکلیف در حق این‌ها در فرض اضطرار ساقط نیست. ممکن است کسی استدلال کند برای این‌که دلیل مانعیت ضیق دارد شامل فرض اضطرار مستوعب نمی‌شود، استدلال بکند به صحیحه فضیل. صحیحه فضیل راجع به نماز زن و مرد در مسجد الحرام بود که انما سمیت بکة لانه تبک فیه الرجال و النساء، بعد فرمود و المرأة‌ تصلی بین یدیک و عن یمینک و عن یسارک و معک و انما یکره فی سایر البلدان. برخی مثل مرحوم آقای داماد استظهار کردند از این صحیحه فضیل که حرج علت برای ارتفاع این حکم به مانعیت محاذات زن و مرد در نماز است. یک مصداقش مسجد الحرام است، حال اگر مصداق دیگری داشت مثل فرض اضطرار مستوعب، از این روایت استفاده می‌‌کنیم آن‌جا هم مانعیت محاذات زن و مرد در نماز برطرف شده.

انصاف این است که استدلال به صحیحه فضیل مشکل است. چون در صحیحه فضیل فرض ازدحام فعلی و حرج بالفعل نشده. چون نوعا در مسجد الحرام ازدحام است این مانعیت در آن‌جا رفع شده، ‌دیگر محاذات زن و مرد در نماز در آن‌جا مانعیت ندارد و لو بالفعل مسجد الحرام خلوت باشد. اطلاق دارد خطاب. اگر یک جایی هم مثل مسجد الحرام بود که نوعا این‌طور بود که تبک فیها الرجال و النساء ممکن بود در آن‌جا هم ما تعدی بکنیم و لکن یک فرض اضطرار شخصی که اتفاقا مرد و زنی در یک مکانی هستند ضیق وقت است جا هم تنگ است، امکان این‌که با رعایت فاصله نماز بخوانند یا در دو زمان نماز بخوانند نیست، از آن صحیحه فضیل بخواهیم استفاده کنیم ارتفاع مانعیت محاذات بین زن و مرد در این حال را مشکل است.

از این‌جا یک نتیجه‌ای بگیرم:

آقای سیستانی در این‌جا در حاشیه عروه فرمودند: در حال اضطرار و ضیق وقت اگر نمی‌توانستند زن و مرد با رعایت فاصله نماز بخوانند حرمت و کراهت محاذات بین زن و مرد بر طرف می‌‌شود. ایشان اضافه کردند: و کذا عند الزحام فی المسجد الحرام بمکة المکرمة فلایعتبر فیه الشرط المذکور.

ما برای‌مان روشن نیست که اختصاص داشته باشد صحیحه فضیل به فرض ازدحام. انما سمی بکة، مکه را گفتند بکه لانه تبک فیها الرجال و النساء و این حکمت شده برای این‌که در مسجد الحرام دیگر این مانعیت محاذات زن و مرد در نماز برداشته بشود و انما یکره فی سایر البلدان، اطلاق دارد و لو بالفعل ازدحامی نباشد، ‌اتفاقا یک زنی آمد کنار ما ایستاد می‌‌خواهد نماز طواف بخواند ما هم می‌‌خواهیم نماز طواف بخوانیم، اطلاق این روایت اقتضاء می‌‌کند اشکالی نداشته باشد.

این بحث در مسأله 28 در فرضی بود که در تمام وقت مضطر بودند این زن و مرد به عدم رعایت فاصله. اما اگر نه، در ابتداء وقت مضطر بودند به عدم رعایت فاصله، ‌یک مکانی هستند این‌ها که در این مکان فعلا باید باشند و نمی‌توانند این‌جا رعایت فاصله بکنند، اما هنوز وقت خارج نشده از این مکان بیرون می‌‌روند و در بیرون این مکان می‌‌توانند نماز بخوانند با رعایت فاصله، این‌جا قطعا اضطرار فی بعض الوقت که اضطرار غیر مستوعب است مجوز اخلال به این حکم نمی‌شود، ‌اطلاق دلیل می‌‌گوید باید نمازی بخوانید با رعایت فاصله. این‌جا شما هر وقت می‌‌خواهید نماز بخوانید یک زنی هم در نزدیکی شما نماز می‌‌خواند، ‌خب صبر کنید آخر وقت بیرون این مکان نماز بخوانید بدون ابتلاء‌ به این مشکل.

بله، یک فرضی را آقای سیستانی مطرح می‌‌کنند. می‌‌فرمایند اگر یک مردی شروع کرد به نماز، ‌بعد از آن یک زنی آمد کنار او ایستاد بدون رعایت فاصله، این مرد در همین نماز هیچ راهی ندارد برای این‌که مشکل را حل کند، اگر یک مکانی است که می‌‌شود یک قدم جلو برود که از این زن جلوتر نماز بخواند باید این کار را بکند. ولی فرض کنید که راهی برای این‌که جلوتر برود نیست یا می‌‌تواند در همان مکان مقداری فاصله بگیرد از آن زن که رعایت فاصله بیشتر از ده ذراع چهار متر و نیم بشود باید این کار را بکند بدون اخلال به استقبال قبله. اما اگر یک مکان تنگی است یک اتاق کوچکی است این مرد شروع کرد به نماز خواندن، زنی هم آمد کنار او، بعد از این‌که او شروع به نماز خواندن کرد این زن نماز خواند کنار او، هیچ راهی نیست که این مرد مشکل این نماز را حل کند یا با ایجاد فاصله یا با ایجاد حائل، یک حائلی بین خودش و آن زن قرار بدهد، هیچ راهی ندارد، ‌ایشان فرمودند همین نماز را تمام می‌‌کند و این نماز صحیح است و احتیاجی به اعاده‌ ندارد و لو در سعه وقت.

ایشان مبنایی دارند در جریان حدیث لاتعاد نسبت به اضطرار طاری در اثناء نماز که اگر این اضطرار منشأ بشود که اخلال به غیر ارکان بکنیم ایشان فرموده این اخلال عن عذر است. فروعی را در این رابطه ایشان مطرح می‌‌کند. اول نماز ما فکر می‌‌کردیم که مهر داریم شروع کردیم نماز را بخوانیم بعد فهمیدیم مهر نداریم یا مهرمان را کسی برداشت، ما یصح السجود علیه در این نماز نداریم، اگر بخواهیم سجده کنیم بر ما یصح السجود علیه باید این نماز را ابطال کنیم، ایشان فرمودند این نماز را ادامه بدهید نیازی به سجده بر ما یصح السجود علیه نیست، بر زمین فرش شده سجده کنید مشکلی نیست. چون اخلال شما به شرطیت این‌که محل گذاشتن پیشانی در سجده در نماز باید اجزاء زمین باشد یا چیزهایی که از زمین روییده است ولی مأکول و ملبوس نیست بر این‌ها سجده کنید، این شرط را شما در این نماز به آن خلل رساندید عن عذر، لاتعاد شاملش می‌‌شود، ‌السنة لاتنقض الفریضة شاملش می‌‌شود.

ما این مبنا را قبلا عرض کردیم و نپذیرفتیم. عرفا در اضطرار غیر مستوعب اضطراری که در اثناء وقت برطرف می‌‌شود، اخلال به شرط اخلال عن عذر نیست. من که ملزم نیستم در این نماز این شرط را ایجاد کنم، ‌من باید صرف الوجود نماز واجد شرط را ایجاد کنم و لذا اخلال به این شرط عرفا عن عذر نیست.

در ذیل این عبارت عروه یک مطلبی است که راجع به او هم بحث بکنیم:

بحث این است که یک مکانی تنگی است زن و مرد در این‌جا می‌‌خواهند نماز بخوانند، اگر با هم نماز بخوانند رعایت فاصله نمی‌شود، ولی وقت تنگ نیست و لذا فرمودند در دو زمان این‌ها نماز بخوانند، حالا بحث در این است که آیا لازم است اول مرد نماز بخواند بعد زن نماز بخواند یا نه، مشکلی نیست، ‌اول زن نماز بخواند، نمازش که تمام شد بعد مرد شروع کند نماز بخواند.

صاحب عروه فرموده الاولی تاخیر المرأة صلاتها. اولی این است که زن نمازش را تاخیر بیندازد. اول مرد نماز بخواند.

مستند ایشان صحیحه محمد بن مسلم است. عن احدهما علیهما السلام قال سألته عن المرأة تزامل الرجل فی المحمل یصلیان جمیعا قال لا و لکن یصلی الرجل فاذا فرغ صلت المرأة.

نقل شده از مرحوم شیخ طوسی که فرمودند این مطلب واجب است.

و لکن انصاف این است که احتمال وجوب خلاف ارتکاز عرفی و متشرعی است. چه خصوصیتی دارد که زن بعد از مرد نماز بخواند، حالا اگر مرد نمی‌خواهد نماز بخواند، ‌نماز زن مشکل دارد؟‌ حالا آن جایی هم که زن و مرد هر دو می‌‌خواهند نماز بخوانند مرد می‌‌گوید من بعدا نماز می‌‌خوانم احتمال این‌که بگوییم زن زودتر نماز بخواند مشکل دارد خلاف متفاهم عرفی است.

برخی هم برای این‌که تقدم زن اشکال نداشته باشد به صحیحه ابن ابی یعفور استدلال کردند که در وسائل جلد 5 صفحه 124 نقل می‌‌کند. می‌‌گوید قلت لابی عبدالله علیه السلام اصلی و المرأة الی جنبی و هی تصلی قال لا الا ان تقدم هی أو انت. گفته‌اند چون روشن است مراد تقدم مکانی نیست که زن برود جلوتر نماز بخواند از مرد، ‌این محتمل نیست، پس حمل می‌‌شود این روایت بر تقدم زمانی که چه زن زودتر نماز بخواند چه مرد اشکالی ندارد.

این مطلبی است که مرحوم آقای خوئی و مرحوم آقای داماد فرمودند. این به عنوان مؤید خوب است. اما چون ظاهر تقدم، تقدم مکانی است حالا مضمون روایت قابل التزام نیست، دلیل نمی‌شود که ما حملش کنیم بر یک معنای غیر ظاهر بگوییم مراد تقدم زمانی است و به آن استدلال بکنیم. و لذا عمده همان مطلبی است که عرض کردیم: احتمال وجوب خلاف ارتکاز عرفی و متشرعی است.

و الحمد لله رب العالمین.